

## اهل سنت و جماعت چه کسانی هستند؟

علوی بن عبدالقادر السقاف

ناظر کل موسسهی «الدرر السنیه»

[www.dorar.net](http://www.dorar.net)

الحمد لله وكفى، والصلاة والسلام على النبي المصطفى، وعلى آله وأصحابه ومن هديهم اقتفى. أما بعد...

این واضح و آشکار است که نجات و سعادت در دنیا و آخرت منوط به پیروی از راه و روش اهل سنت و جماعت است. اما از آنجایی که همه مدعی راه و روش اهل سنت و جماعت هستند، و گروهی برخاسته مدعی بازپس گیری این لقب شریف شده‌اند و ادعا می‌کنند این لقب قرن‌ها است از آن ربوده شده، بر اهل علم لازم شد که به توضیح این اصطلاح و لقب پرداخته نشانه‌های آن را بیان نمایند و صفات کسانی که شایسته‌ی آنند را آشکار سازند.

این نوشته به بیان برخی از ویژگی‌ها و نشانه‌های اهل سنت و جماعت پرداخته و معیاری را نشان می‌دهد که مسلمان را برای شناخت اینکه «چه کسانی اهل سنت و جماعت هستند» و بر راه و روش آنان سیر می‌کنند یاری می‌دهد، تا راه آنان را در پی گیرد و در زمره‌ی آنان داخل شود. هدف از این نوشته بیان همه‌ی اعتقادات اهل سنت و جماعت نیست، چرا که این عرصه‌ی کتب عقیده است، بلکه منظور شناخت تفاوت‌های اهل سنت و جماعت با دیگر فرقه‌ها و ویژگی‌های آنان است.

منظور از سنت در این نوشته علم و عمل و اعتقاد و راه و روشی است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بر آن بوده، یعنی هر آنچه پیامبر - صلی الله علیه وسلم - با خود آورده است.

لفظ «جماعت» که همراه با سنت آمده یعنی یاران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و کسانی که به نیکی از آنان پیروی نموده و بر راه و روش آنان هستند.

چرا که اهل سنت و جماعت حریص‌ترین مردم در پیروی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و شناخت احوال اویند و بیش از دیگران به روش پیامبر - صلی الله علیه وسلم - پایبند هستند. اما این بدان معنا نیست که هر کس ادعا کرد بر منهج اهل سنت و جماعت است یا حزبش را «سلفی» یا اهل حدیث و اثر نامید حتما ادعایش صحیح است؛ بلکه مهم روش او و پیروی و تمسکش هست، نه نام و شهرتش.

این ادعایی است که همه می‌کنند، اما چنین ادعایی صحیح نیست و چنین نسبتی بر کسی صدق نمی‌یابد مگر با محقق شدن نشانه‌ها و ویژگی‌هایی که بیان خواهد شد؛ این‌ها جدایی‌گر کسانی است که این لقب را محقق ساخته‌اند و کسانی که صرفاً ادعای

آن را دارند. برای فهم بهتر و آسان‌تر این موارد را در چند فقره ذکر کرده‌ام:

**۱- منبع اهل سنت و جماعت** در عقیده، کتاب الله و سنت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و روشی است که سلف صالح بر آن بوده‌اند و فهم آنان از نصوص کتاب و سنت. آنان نه عقل و کشف و ذوق و رویا را بر نقل ترجیح می‌دهند و نه سخن شیخ یا ولی را بر سخن الله سبحانه و تعالی و پیامبر خدا - صلی الله علیه وسلم - مقدم می‌دارند.

**۲- اهل سنت و جماعت** در عقاید خود به شخصی خاص یا فرقه‌ای خاص منتسب نیستند، بلکه به سنت و به سلف منسوبند؛ بنابراین آنان نه به اشعری منتسبند، نه به ماتریدی و نه به جهم و جعد و زید و عبید، و نه به معتزله و مرجئه و قدریه... بلکه صرفاً به سنت و به صحابه انتساب دارند: «آنچه من و یارانم بر آن هستیم».

**۳- اهل سنت و جماعت** در سلوک و تزکیه‌ی نفس نیز به شخص یا طریقه‌ی خاصی منتسب نیستند؛ نه به گیلانی و رفاعی و قادری و تیجانی، و نه به طریقه‌ی نقشبندی یا علوی یا شاذلی و یا دیگر طریقه‌ها. بلکه منبع سلوک و تزکیه و اخلاقتان همان کسی است که فرموده است: «همانا برای کامل ساختن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام». کسی که «اخلاقت قرآن بود» صلی الله علیه وسلم.

آنان همانطور که در اصل دین و عقیده نامی جز «اهل سنت و جماعت» ندارند، همینطور نیز در سلوک و تزکیه‌ی نفس جز اهل سنت و جماعت نام و نسب دیگری ندارند.

**۴- اهل سنت و جماعت** خداوند را همانطور که امر نموده با خشوع و فروتنی عبادت می‌کنند و از خود یا دیگران عباداتی بر حسب هوا و هوس و دلخواهشان نمی‌سازند و از طریق خودزنی و طبل و رقص او را عبادت نمی‌کنند!

**۵- اهل سنت و جماعت** هیچ عبادتی مانند دعا و استغاثه و قربانی و نذر و غیره را برای غیر الله انجام نمی‌دهند، چنانکه برخی فرقه‌ها و طریقه‌های مخالف اهل سنت و جماعت مرتکب می‌شوند.

**۶- اهل سنت و جماعت** به زیارت قبور تشویق می‌کنند، زیرا این کار انسان را به یاد آخرت می‌اندازد و همینطور برای سلام بر مردگان و دعا برایشان نه به قصد تبرک یا درخواست از مردگان و یاری خواستن از آنان و یا مسح کردن قبر و طواف به گرد آن و قربانی نزد قبرها و کارهایی مانند این.

**۷- اهل سنت و جماعت** همه‌ی صفاتی را که الله عزوجل برای خود اثبات نموده یا پیامبرش برای وی اثبات کرده بدون تعطیل یا تاویل، اثبات می‌نمایند. اما دیگران صفات پروردگار را نفی می‌کنند، یا برخی از آن را اثبات و برخی دیگر را تاویل می‌نمایند.

**۸- اهل سنت و جماعت** معتقدند که ایمان گفتار و کردار است و کم و زیاد می‌شود.

آنان کردار بدنی را همانند مرجئه از معنای ایمان خارج نمی‌سازند و همانند خوارج مسلمانان را به سبب مطلق گناهان و کبائر کافر نمی‌دانند.

**۹- اهل سنت و جماعت** فرقه‌های مخالف خود را به صرف مخالفتشان از دین خارج نمی‌کنند مگر فرقه‌هایی که اصول کفر را یکجا کرده‌اند، مانند اسماعیلیه و نصیریّه.

**۱۰- اهل سنت و جماعت** از کفار و ملحدان و مشرکان و مرتدان بیزاری جسته با آنان دشمنی می‌ورزند و مومنان را به اندازه‌ی ایمان و اعمال نیکشان دوست دارند و با آنان موالات ورزیده و به یاری آنان می‌شتابند.

**۱۱- اهل سنت و جماعت** یاران رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را دوست می‌دارند و معتقدند همه‌ی آنان اهل عدالتند، و با دوستی آنان و دوستی اهل بیت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و همسرانش مادران مومنان به خداوند نزدیکی می‌جویند، و از دشمنانشان و کسانی که به آنان ناسزا می‌گویند تبری می‌جویند، و همینطور از کسانی که در مورد آنان غلو می‌کنند و آنان را از منزلت بشری بالاتر دانسته و یا قائل به عصمتشان هستند بیزاری می‌جویند.

**۱۲- اهل سنت و جماعت** در فقه بر اساس اجماع و دلیل کتاب و سنت صحیح عمل می‌کنند و سخنان صحابه و تابعین و تابعین آنان را معتبر می‌دانند و از علمای بزرگ مسلمان امثال ابوحنیفه و مالک و شافعی و احمد و علما و فقها و ائمه‌ی پس از آنان که پیرو سنت بوده و نزد امت به نیکی مشهورند، پیروی می‌کنند.

**۱۳- نزد اهل سنت و جماعت** همه‌ی مسلمانان از نظر تکالیف شرعی یکی هستند. آنان چیزی را به نام عامه و خاصه، یا خاصه‌ی خاصه قبول ندارند، و همینطور چیزی تحت عنوان دوگانه‌ی شریعت و حقیقت را به رسمیت نمی‌شناسند، بلکه از نظر آن‌ها همه‌ی دین یکی است، و همه‌ی شریعت یکی است، از سوی پروردگاری یگانه که بر یک پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و برای همه‌ی مردم نازل شده است.

**۱۴- اهل سنت و جماعت** در همه چیز اهل اعتدال و میانه‌روی هستند؛ آنان در میانه‌ی غلو و جفا، افراط و تفریط، و سهل‌انگاری و سخت‌گیری ایستاده‌اند.

**۱۵- اهل سنت و جماعت** از حریص‌ترین مردم به جمع کلمه و وحدت صف هستند و از جمله عقاید آنان این است که جهاد و نمازهای جمعه و جماعت را باید پشت هر امامی چه نیکوکار و چه بدکار برپا نمود و معتقد به درست بودن نماز پشت سر اصحاب بدعت و گناهکاران هستند، زیرا آنان از همه‌ی مردم بیشتر خواهان اتحادند و بیش از همه تفرقه را بد می‌پندارند. شاید از برخی از منتسبان به سنت و جماعت که روش آنان را به خوبی ندانسته‌اند اشتباهی رخ دهد، زیرا اینطور نیست که هر کس منسوب به اهل سنت و جماعت باشد حتما ادب و اخلاق آنان را برگرفته و به راه و روش آنان پایبند باشد. شرف این لقب آنقدر والا است که کسانی از غیر آنان نیز خود را بدان منتسب کرده‌اند.

**۱۶- در میان اهل سنت و جماعت** هم عالم و فقیه است و هم خطیب و دعوتگر و هم

کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و هم پزشکان و مهندسان و تجار و کارگران و ثروتمندان و تهیدستان و رنگین پوستان و سفید پوستان و عرب و عجم، چرا که راه و روش آنان محدود به دسته‌ای از مردم نیست و میان اقشار مختلف جامعه تبعیض قائل نیستند و علم و دین و نسب و سروری را منحصر به گروهی خاص نمی‌دانند و معتقدند که:

{إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ} [حجرات: ۱۳]

(بی‌شک گرامی‌ترین شما نزد الله، با تقواترین شماست)

۱۷- در میان اهل سنت و جماعت هم عابد زاهد وجود دارد و هم گناهکار و کسانی که مرتکب کبائر می‌شوند، زیرا آنان معصوم از اشتباه و گناه نیستند، اما این اشتباهات و گناهان، آنان را از سنت و جماعت خارج نمی‌سازد، و بلکه حتی ممکن است در بدعت‌های جزئی واقع شوند اما با شناخت حق به سرعت به آن باز می‌گردند؛ به همین سبب از وصف اهل سنت و جماعت خارج نمی‌شوند.

۱۸- اهل سنت و جماعت پیرو حق‌اند و مهربان نسبت به خلق. گناهان را بد می‌دانند اما با گناهکار نرم‌خویند و از بدعت‌ها متنفرند ولی نسبت به اهل بدعت دلسوزند.

این‌ها اهل سنت و جماعتند و این مختصری از ویژگی‌ها و صفات آنان است. از الله متعال خواهانم با کرم و بزرگواری‌اش ما را از جمله‌ی آنان بگرداند و امت را بر همان چیزی متحد سازد که اهل سنت و جماعت بر آن یکجا شده‌اند

